

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیوادوال کابلی

۰۷ می ۲۰۱۱

مقصود توئی "لادین" و "قاعده" بهانه!

امپریالیزم امریکا برای تأمین منافع غارتگرانه استعماری خود، به اساس سرشت جهانخوار و غیرانسانی خود، به سان مار افعی هرآن کشوری را که ضعیف تشخیص دهد، برآن تجاوز نظامی می نماید، در بند استعمارش می کشاند، جوقه جوقه مردمان آنرا کشتار می نماید و سرانجام همه هست و بود شان را می بلعد و نابود می کند. ولی همزمان و با خبائتی که نظیر آن در ذهن شریرترین ماکیاول تاریخ هم خطور ننموده است، چنان به عوامفریبی و مسخ حقایق آشکار و عریان می پردازد که تماشاگران مبهوت طلسم استعماری، عمدهً اتباع "جهان آزاد"، شیر را بدون کوچکترین تردیدی سیاه تشخیص داده و با هر آنچه بینا و با بصیرت "جهان غیر آزاد" است، با توییح رفتاری می کنند که این "غیرتمدن"ها چگونه ممکن است سیاهی شیر را منکر شوند؟ از همین منوال است افسانه گویا کیفر نمودن اوسامه بن لادن توسط کوماندوهای خاص امریکائی در روزیکشنبه اول می امسال.

پرده اول نمایشنامه که به وقت اروپا حوالی ۴ صبح واقع شد، ظاهر شدن بارک اوباما، رئیس جمهور امریکا در پرده تلویزیون و ابلاغ غیر مترقبه اعدام طراحی شده اوسامه بن لادن در پاکستان بود. من هم مانند میلیون ها انسان کُره زمین با تعجب تمام اخبار مربوطه را تماشا و استماع نموده و تا حد زیاد موضوع را به همان شکلی که رئیس جمهور امریکا و رسانه ها گزارش می دادند قبول نمودم ولی هر قدر وقت می گذشت، سؤالاتی که در آغاز به شکل گنگ در ذهنم خطور می نمودند، کسب اهمیت بیشتر نموده و آنها را نه تصورات گذرای ذهن مبهوت خود بلکه نطفه های منطقی در حال نمومی یافتم که هر کدام مانند جوانه های نبات در حال رشد اما رشد سریع بودند. مگر در این روند رویش منطقی، من مسلماً تنها نبوده ام زیرا از تلویزیون و رادیو گرفته تا مطبوعات چاپی و انترنیت، همه جا جهانیان سؤالیه های بسیار منطقی را پیش می کشیدند. با پی بردن به این پدیده سریع و جهانشمول، آنآ تصمیم گرفتم تا از کنجاوی خود جلوگیری و نظرات و سؤالات دیگران را نخوانم و نشنوم تا افکار خودم بکرمانده و بتوانم بدون متأثر شدن از برداشت دیگران، به نتایجی که خود تشخیص می دهم برسم. اما به هیچوجه دور از امکان نیست که بعداً همسویی و تشابهاتی میان طرز دید خود و دیگران دریابم.

از تاریخ اول می تا امروز که هنوز پوره یک هفته از صحنه سازی های دقیقاً طراحی شده اعدام بن لادن توسط سی.ای.ای. می گذرد، دولت امریکا بار بار شرح چگونگی به قتل رساندن وی (ویا هر کسی که به نام وی

از پادآورده شده) را تغییر و تعدیل نموده اند. ضد و تقیض گوئی و بی منطقی در گفته های مقامات امریکائی تا آن حدیست که من ذکر آنها را برای خود و برای خوانندگان محترم این سطور، ضیاع وقت می دانم. از طرف دیگر آنهمه ضد و نقیض گوئی رسوا را همه قبلاً آگاه هستند و من با تکرار آنها کدام معلومات تازه ای را به دسترس دیگران قرار نخواهم داد. ولی این نکته را برجسته می سازم که کمتر محتمل است آنهمه ضد و نقیض گوئی تصادفی باشد. اصطلاحات/نفو(معلومات) و/نتوکس(سم) مسموم سازی) معمول در مطبوعات را خصوصاً افغانان مقیم غرب بلند اند.

به منظور مغشوش ساختن ذهنیت عامه، دول، سیاستمداران، مطبوعات سمعی و بصری و غیره مراجع خصوصاً به دلایل سیاسی، حقایق را کتمان نموده و شرحی کاملاً تصنعی و وارونه از یک موضوع پخش می نمایند که تفکیک آن از واقعیت هائی که به وقوع پیوسته باشند، در ظاهر و در نظر سطحی، مشکل است، صورت گیرد. توسل به اینگونه مسموم سازی افکاری یعنی اشاعه/نتوکس به جای/نفو بیشتر در جریان جنگ بین کشورهای درگیر از طریق مطبوعات طرفدارشان صورت می گیرد. این درست چیز نیست که ما در موضوع سربه نیست ساخته شدن ادعائی بن لادن هم شاهد آن هستیم.

من به این عقیده هستم که راه اندازی یک بارگی شبخون بر بن لادن تداوم پرده های بیشتر این درامه تراژیدی - کومیدی نزدیک به ده سال است. هرگاه قبول نمایم که بن لادن را امریکا واقعاً از میان برداشت پس دلیل آن حتماً این بوده که بایست همه اسرار و جعلیات حملات یازده سپتمبر با بن لادن به گور می رفت تا مردم جهان به دست داشتن خود دولت متحده امریکا و دست نامرئی صهیونیزم در حملات برج های دوگانه نیویارک پی نبرند، در غیر آن همه معادلات سیاسی، تبلیغاتی و ستراتیژیک دهه همه منسوخ شده و امپریالیزم امریکا و متحدینش در حسابدهی به مردم خود و مردم دنیا بیچاره می شدند. به عبارت دیگر بن لادن جزء لاینفک اسرار جعلیات واقعه یازدهم سپتمبر دو هزار و یک است و به همان شکل باید برای ابد در ابهام باقی بماند. و یا شاید هم همان طوری که شایع است، جورآمدی میان دولت امریکا و بن لادن صورت گرفته باشد که با "قتل مطبوعاتی" وی، به سان صدها تن از جواسیس کارگشته استعمار در گذشته، وی از انظار و صحنه جهان بیرون کشانده شود. مگر این سؤال باقی می ماند که کدام نگون بخت به جای وی قربانی مرمی عموسام شده است.

شام چهارشنبه یکی از تلویزیون های اروپائی، برنامه ای حدود یک ساعت بحث و تبادل نظر روی عملی شدن قتل ادعائی بن لادن داشت که در آن یک سفیر سابق امریکا و متخصصین جهان اسلام و کشورهای عربی ("متخصصین تروریسم") و مفسران مجرب مطبوعات اشتراک ورزیده بودند. سؤالیه هائی را که اکثر مردم پیش می کشند، این آقایان هم با "معصومیت" خاصی طرح می کردند و بعضاً جرقه هائی از حقایق از گفتارشان بیرون می جهید. از جمله یک مفسر تلویزیون اشاره کرد که این بسیار سؤال برانگیز است که با وجود فرورفتن دوطیاره مسافربری در دوبرج نیویارک، کوچکترین اثری از آنها در اثر آتش سوزی مدتش باقی نماند اما تصادفاً دو پاسپورت از دو تبعه عرب که گویا از جمله اختطاف کنندگان بودند در محوطه برج ها یافت شد که بسیار کم صدمه دیده بودند. وی تعجب خود را در این مورد با کم روئی حسابشده ای اظهار کرد ولی بسیار زود و به طور "تصادفی"، موضوع بحث به طرف دیگر رفت و آن ظن و اشتباه به حجم یک کوه، به سان یک پر کوچک بی وزن به هوا رفت و ناپدید شد. از این مثال ها فراوان در هر طرف، در طول ده سال، دیده شده و به گوش رسیده ولی وقاحت و دیده درائی امپریالیزم امریکا تا آن حدی است که به هیچیک از این سوالات وقع نگذاشته و با بی شرمی خاصه یک روسپی سیاسی، جعلیات متعفی را به خورد مردم خود و مردم جهان می دهد که منطق ابتدائی هم آن را رد می نماید.

به تأسی از همان سیاست/تتوکس، دولت امریکا به سرکردگی رئیس جمهور اوباما می خواهد چنان فضائی را به وجود بیاورد که نه تنها حقایق و واقعیت ها در ازدحام دروغ ها و جعلیات رسمی رنگ باخته به استهزاء کامل مبدل گردند بلکه مردم هم به کلی خسته شده و از دنبال نمودن موضوع و کشف حقایق دست بکشند. مطبوعات امپریالیستی و همدست امریکا از همین حالادراستای آن مصروف کار هستند. طورمثال آنها همه سوالات معقول، برملا ساختن ضد و نقیض گوئی مقامات امریکائی و واکنش های به حق مردم جهان را آهسته آهسته با تئوری نام نهاد "توطئه" نزدیک می سازند و با گوشزد کردن اینکه با اعلان اعدام بن لادن و عدم موجودیت عکس یا فلم قتل وی برای جهانیان، حدس و گمان چنان لجام می گسلد که همه اطلاق "توطئه" را به آن می کنند. این دقیقاً متردد ساختن مردم و دور ساختن آن ها از مواضع منطق و برهان است. بدین ترتیب آنچه در واقعیت توطئه است، این بار با توطئه علیه ذهنیت عامه جهانی توسط همان مجریان توطئه، به شیخ توطئه مبدل گشته تدریجاً به یک بحث مضحک که "انسان های با هوش" نباید با یاد از آن خود را "کوچک" و "سبک" بسازند مبدل خواهد شد.

بارها واقع شده که مقامات، مطبوعات و نوکران امپریالیزم به منظور خفه ساختن صدای به حق مردم، تئوری خود ساخته "توطئه" را پیش کشیده اند تا از ادامه هرگونه بحثی بریک موضوع حساس و افشاءگرانه در رابطه با خود جلوگیری نموده باشند.

موضوع دیگری که عمق فتنه گری امپریالیزم امریکا را آشکار می سازد اینست که تا جای معلوم تصاویر، فلم ها و نوارهای صوتی که در این ده سال به تعقیب انهدام برج های دوگانه نیویارک در مطبوعات پدیدار گشته و به معرض تماشا و استماع مردم جهان قرار داده می شدند، اکثراً جعلی بوده اند که بیشترین استفاده از وسایط پیشرفته مونتاز و امکانات الکترونیک برای ایجاد آنها صورت گرفته است. هرگاه این مسأله کاملاً به ثبوت برسد، فرضیه "چندین بن لادن" و کشته شدن یکی از آنها هم نمی تواند بی اساس از آب درآید. بارها واقع شده که یک پیام صوتی، و در اوایل، ویدیوهای بن لادن زمانی پخش می شدند که حساس ترین موقع در سیاست داخلی امریکا به شمار می رفت؛ و یاهم قضایای دنیا پخش آن را ضروری ساخت. پس هرگاه در هر بار پیام "تروریستی" بن لادن، کمک جانانه ای برای پیشبرد سیاست "دشمن" امریکائی آن بوده است، آیا این خود بن لادن بوده یا دهها و صدها همچو وی که با تولید دوباره صدا یا تصویر وی توسط امریکا به نفع سیاست عوامفریب استعماری آن به کار گرفته می شد؟

امپریالیزم امریکا به دلیل نداشتن هیچگونه پشتوانه منطق انسانی، محکوم به توسل به سیاست های عوامفریبانه و رسوا می باشد تا خون آشامی آنرا در دنیا تضمین نموده و در عین حال تصویر "نمونه شرافت، اخلاق و انسانیت" را همان طوری که با تبلیغ آن از طریق متحدین امپریالیست خود و نوکران انقیاد طلب خود که "دموکراسی" امریکا و غرب را شفای همه آلام وانمود می کنند، دست نخورده نگه دارند. می توان به جرأت گفت که امپریالیزم اکثر جنایات را در دنیا با همدستی ناخودآگاه آنده از اتباع بی خبر و ساده لوح خود، که متأسفانه تعداد شان به صدها میلیون می رسد، انجام می دهد و برایش در توهم نگهداشتن و باز هم "خر ساختن" همان جمع کثیر از اهمیت درجه اول برخوردار است. در نتیجه تمام هم و غم امپریالیزم امریکا همین است که اولاً با چکاندن چند واقعیت به گوش آنده، چگونه دوباره فضاء را چنان مغشوش بسازد تا لوده های شرطی شده به معبود امپریالیست و "دموکرات" خود تکیه کرده و تمام ابهام و ضد و نقیض گوئی ها را زاده تئوری "توطئه" دانسته، با تغذیه از نشخوار/تتوکس دولت امریکا و دیگر امپریالیست ها، برای درک واقعیت ها بر مغز خود دیگر فشار نیاورند و اعتماد خود به امپریالیزم "نیکوکار" برای نجات خود از شر "تروریست ها" (اتباع ممالک اسلامی) را ارادتمندانه تجدید نمایند. این مهمترین هدف

سیاست امپریالیزم امریکا و متحدین آن می باشد. پس مثل آفتاب هویداست که: مقصود تحمیق ذهنیت عامه خودی
ودیگر "متمدن" ها بوده بن لادن و القاعده فقط بهانه اند!